

این کتاب ترجمه‌ای است از

Der Mann meiner Träume.

Erzählung, Doris Dörrie.

Diogenes Verlag, 1999

مرد رؤیاهای من

دوریس دوری

علی عبداللہی

مجله ۰۰۱۱

شماره ۰۰۱۸

۰۲۹-۶۵۲۲-۲۹۲۱-۸۷۸

www.konkordanz.com

۲۹۲۱-۸۷۸-۰۲۹

۲۹۲۱-۸۷۸-۰۲۹

۲۹۲۱-۸۷۸-۰۲۹

۲۹۲۱-۸۷۸-۰۲۹

www.konkordanz.com

۲۹۲۱-۸۷۸-۰۲۹



درباره‌ی نویسنده

خانم دوریس دوری^۱ در سال ۱۹۵۵ در شهر هانوفر آلمان به دنیا آمد. تئاتر و بازیگری را در کالیفرنیا و نیویورک خواند. مدتی در کالیفرنیا در مؤسسه‌ی گوته فیلم می‌ساخت. اما بعد تصمیم گرفت، نه جلوی دوربین، بلکه پشت آن قرار بگیرد. با فیلم *مردان راه خودش* را در عالم فیلم‌سازی باز کرد. اما با آنکه حتی فیلمش در آمریکا مورد استقبال زیاد قرار گرفت، به سینماها راه نیافت. او به نقل از مجله‌ی *تسایت*، به موازات کار در سینما یکی از بهترین داستان‌نویسان زن ادبیات معاصر آلمانی شد. دوریس دوری با داستان‌های کوتاه خود توانست جایزه‌ی ارنست هوفریشتر و جایزه‌ی بتینا فون آرنیم مجله‌ی *بریگیته* را از آن خود کند. این نویسنده‌ی پرکار، در سال ۱۹۹۹، اولین رمانش را با نام *حالا چه کنیم؟* منتشر کرد. از این نویسنده و فیلم‌ساز آثار بسیاری منتشر شده که همه‌ی آن‌ها پرخواننده و پرفروش بوده‌اند. از آن جمله می‌توان از کتاب‌های: *آن‌ها از من چه می‌خواهند؟* (مجموعه‌ی پانزده داستان)، *برای همیشه و تا ابد*، *عشق (Love) در آلمان*، *آیا من زیبایی‌م؟* و *پیراهن آبی* نام برد.

آثار دوری با آنکه زنانه‌اند و لطیف، اما گویا همیشه با تمایلات

فمینیستی افراطی همخوان نیستند. داستان مرد رؤیاهای من علاوه بر درون‌مایه‌ای عشقی و لطیف، بیانگر تلاش زنی است آنتونیا نام، در جستجوی خود به بهانه‌ی یافتن مرد رؤیاهای اش. زنی احساساتی، بریده از زندگی طبیعی که در دنیای سرمایه‌داری و سودای بهره‌کشی از تن آدم‌ها به صرف زیبایی ظاهری‌شان، از درون تهی می‌شود، اما خودش در درون خود این تهی‌شدگی را حس می‌کند و برای گریختن از آن به هردری می‌زند. همین تلاش‌ها ناگهان به ولگردی لاقید و کثیف برمی‌خورد. به او دل می‌بندد. به همان کسی که به تعبیری بخشی از تمایلات خودش است. نویسنده در سیرداستان، ما را به آمریکای لاتین، به پرو و در نهایت به ویرانه‌های ماچوپوچومی بَرَد تا با قهرمان‌های اثر که یک مرد و یک زن هستند، شگفتی‌ها و پیچیدگی‌های تمدنی عظیم اما ویرانه را ببینیم و تکامل دوفرد را از دوزاویه‌ی مختلف نظاره کنیم: مردی که ظاهراً به خودش رسیده و با خیال راحت در پلشتی خودخواسته، برای دهن‌کجی به مناسبات بورژوازی و جامعه‌ی سرمایه‌داری، راه‌گدایی و هیپی‌گری را در پیش گرفته و زندگی رقت‌باری دارد، اما خشنود و آرام به نظر می‌رسد و زن جوانی که از کالایی شدن و توجه بی‌اندازه از سوی دیگران به ظاهرش و غوغای شهرت زود هنگام از راه قرار گرفتن عکس‌اش بر روی مجله‌های رنگین و جلف، از خودش منزجر می‌شود و در جهشی صد و هشتاد درجه‌ای، عاشق یک طرفه و مازوخیستی مردی پلشت و آس و پاس می‌شود تا به خیال خود از ملال و ابتذال زندگی معمول خود بگریزد.

اما این گریز نیز او را راضی نمی‌کند و این عشق یک طرفه، سرانجام درستی نمی‌یابد. دوری در این کتاب، ما را به پانصد سال قبل، در آثار نقاشان ایتالیایی در فلورانس، در دربارِ مدیچی‌های معروف می‌بَرَد تا از این رهگذر، پیوند گذشته و اکنون و دغدغه‌های پایان‌ناپذیر بشری را نظاره‌گر باشیم. به باور مترجم، مرد رؤیاهای من با جستجوی تقریباً کامل و تمام‌عیاری که وصف می‌کند، ما را به یاد یکی از شخصیت‌های